



عالمان و اندیشوران خوراسگان در چند سده گذشته

رسول جعفریان

نداشته است. شاید این نکته دلیل اندکی شمار کسانی باشد که انتساب به این محل داشته‌اند. بنده در طی سالها، هر کجا که به تصادف به نام بزرگان اصفهان رسیده‌ام، اسامی کسانی را که ملقب به خوراسگانی بوده و در شمار عالمان و فاضلان این شهر بوده‌اند، یادداشت کرده‌ام. مطمئناً این به آن معنا نیست که جستجوی کاملی در این زمینه انجام گرفته باشد. طبیعی است که با پژوهش بیشتر می‌توان اسامی دیگری را بدست آورد. در اینجا به معرفی شانزده تن از دانشوران این شهر در طی سده‌های گذشته می‌پردازیم:

۱- احمد بن شهید بن مفضل حنظلی، ابو جعفر خوراسگانی

ابو نعیم از وی یاد کرده و نوشته است که فردی موثق است. وی از حیان بن پشیر روایت می‌کند. آنگاه دو نقل که در سند آن نام ابو جعفر خوراسگانی آمده نقل کرده است. یکی نقل سخنی از ابو موسی اشعری است که فاتح اصفهان بوده است و دیگری حدیثی است از رسول خدا (ص) که فرمود: کسی که نمازش را فراموش کند یا در خواب بماند، وقتی بیدار شد باید نمازش را بخواند^۳

این شخص همان است که سمعانی با عنوان ابو جعفر احمد بن مفضل مؤدب خراسگانی اصفهانی از وی یاد کرده است.^۴

ابو شیخ انصاری (م ۳۶۹) نیز از احمد بن شهید یاد کرده بدون آن که از لقب خراسگانی او ذکری بمیان آورد. وی در آنجا به جز روایت نقل شده از رسول خدا (ص)، حدیث دیگری به نقل از احمد بن مفضل از حیان بن پشیر از هیشم یا هثیم تا برسد به رسول

در منطقه شرق اصفهان، در پنج کیلومتری جاده یزد، در مسیر خیابان جی، شهرکی کهن وجود دارد که آن را در گذشته خراسگان- و احتمالاً خراسگان- و اکنون خوراسگان می‌خوانند. این شهرک که تا چند دهه قبل خارج از شهر اصفهان بود، اکنون به شهر ملحق شده و شهر بزرگ اصفهان تا چند کیلومتر آن سوتر نیز گسترش یافته است. خوراسگان قدمت زیادی دارد اما متأسفانه بنای قبایل ملاحظه‌ای که تاریخی کهن بر آن باشد وجود ندارد.

کهن‌ترین منبعی که از خوراسگان در آن یاد شده کتاب «ذکر اخبار اصبهان» ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰) است. ابو نعیم از دو نفر از محدثان که ملقب به خوراسگانی بوده‌اند یاد کرده است.

سمعانی (م ۵۶۲) هم، در کتاب الانساب خود، از لقب «خراسگانی» یاد کرده است. وی می‌نویسد: الخراسگانی (بفتح الخاء المعجمة و السین المهملة و الکاف، بینهما الالف و بعدها الألف و فی آخرها النون) هذه النسبة الی خراسکان، و هی قریة من قری اصبهان، منها ابو جعفر احمد بن المفضل المؤدب الخراسگانی الأصبهانی یروی عن حیّان بن پشیر، روی عنه أبو بکر محمد بن إبراهیم بن المقرئ الأصبهانی.^۱

شبه همین مطلب را یاقوت حموی- طبعاً به نقل از سمعانی- در معجم البلدان خود آورده است.^۲

عالمان و اندیشوران خوراسگان

منطقه خوراسگان به دلیل نزدیکی با اصفهان شهرت مستقلاً



خدا(ص)-نقل کرده است.^۵

این شخص بر اساس سند مزبور می‌بایست در نیمه دوم قرن دوم هجری می‌زیسته باشد؛ دلیل ملقب شدن او به مؤدب که معنای بدان اشاره کرده روشن نیست و گوید در مصدر دیگری از وی یاد نشده است.

۴- ابوالفتح بن محمد حسینی خوراسگانی

او از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی- رحمة الله علیه- بوده است. وی به خط خود نسخه ای از «کتاب من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق را کتابت کرده و مرحوم محمد تقی مجلسی در کنار همان نسخه، اجازه‌ای برای ابو الفتح نوشته است. ابوالفتح این کتاب را در جلساتی نزد مولی محمد تقی مجلسی خوانده است. اجازه یاد شده در میانه جمادی الاولی سال ۱۰۵۱ هجری قمری نوشته شده است.^{۱۱}

۵- محمد بن ابی الفتح حسینی خوراسگانی

گویا این عالم فرزند همان ابوالفتح پیشگفته است. علامه شیخ آقا بزرگ می‌نویسد: من خط او را بر روی «تفسیر بیضاوی» که وقف بود دیدم که در جریان فتنه افغان غصب شده بوده است. محمد خوراسگانی نوشته است که با پرداخت مبلغی از خود، آن را از غصب نجات داده و همراه کتابهای خود در سال ۱۱۴۹ هجری (مجدداً) وقف کرده است.^{۱۲}

۶- محمد مهدی بن محمد سمید طباطبائی خوراسگانی

از عالمان قرن دوازدهم هجری است. علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی می‌نویسد: وی کتاب «ایضاح دفتان النواصب» را در سال ۱۱۱۸ کتابت کرده که نسخه آن باقی مانده است.^{۱۳}

۷- شکرالله بن حاج میرزا محمد حسینی خوراسگانی

وی به احتمال از شاگردان مولی محمد تقی مجلسی بوده و نسخه‌ای از کتاب «لوامع صاحبقرانی» او را در سال ۱۰۶۵ هجری کتابت کرده است. نسخه این کتاب به خط وی باقی مانده است.^{۱۴}

۸- عبدالکریم بن ابی الحسن خوراسگانی

از دانشمندان اوایل قرن سیزدهم هجری است. از او «مجموعه‌ای دعا» در دست است که در آن ادعیه مختلف را گردآوری کرده است. تاریخ کتابت این مجموعه، ششم محرم سال

*** وقتی از خوراسگان یاد می‌شود نمی‌توان از باقر شاه خوراسگانی یاد نکرد. او تنها شخصیت سیاسی قابل ملاحظه‌ای است که در طی قرون گذشته در صحنه سیاست ایران بویژه اصفهان نقشی بر عهده داشته است. وی زمانی که خدای خوراسگان بود.**

۲- علی بن محمد بن عبدالله، ابوالحسن خراسگانی

ابونعم اصفهانی از وی یاد کرده و حدیثی را که او از بکر بن بکار تا برسد به عبدالله بن عمرو روایت کرده است.^۶ در همانجا، از وی نیز به عنوان «مؤدب» یاد شده است. این شخص نیز قاعدتاً در اوایل قرن دوم هجری زندگی می‌کرده است. زیرا بکر بن بکار در سال ۲۰۶ هجری به اصفهان آمده^۷ و علی بن محمد خراسگانی از وی حدیث را شنیده است.

۳- علی بن محمد بن حسن خوراسگانی

از عالمان و کاتبان قرن یازدهم هجری بوده است. او نسخه‌ای از «خلاصة الاقوال فی علم الرجال» علامه حلی را در سال ۱۰۳۰ هجری قمری نوشته که موجود است.

همچنین نسخه‌ای از کتاب «المعتبر» محقق حلی را نوشته که تاریخ ختم کتابت آن، اول شعبان سال ۱۰۲۱ است.^۸

همین عالم، کتاب «التوضیح الأنور بالحجج الواردة لدفع شبه الاعور» (از حلب رودی قرن نهم) را در سال ۱۰۰۱ هجری قمری از روی نسخه مؤلف استنساخ کرده که نسخه آن باقی مانده است.^۹

۱۲۱۴ هجری قمری است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.^{۱۵}

۹- علی اکبر بن عبدالکریم بن ابی الحسن خوراسگانی اصفهانی

وی که فرزند عالم پیشگفته است، نسخه‌ای از کتاب «شرح نهج البلاغه» از ابن میثم بحرانی را، در سال ۱۲۳۹ هجری کتابت کرده که نسخه آن باقی مانده است.^{۱۶}

۱۰- محمد باقر بن کافی خوراسگانی

از نام وی تنها به عنوان مالک نسخه‌ای از کتاب حاشیه شرایع الاسلام محقق کرکی (م ۹۴۰) خبر داریم که به ش ۶۵۸۴ در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - رحمة الله علیه - موجود است.^{۱۷}

۱۱- محمد باقر بن محمد هادی خوراسگانی.

جز نام او که به عنوان مالک نسخه شرح شرایع الاسلام محقق کرکی بر روی نسخه کتاب آمده آگاهی دیگری نداریم. تاریخی که در کنار مهر او آمده سال ۱۱۶۴ هجری را نشان می‌دهد.^{۱۸}

۱۲- محمد ابراهیم بن غیاث الدین محمد خوراسگانی

از عالمان برجسته قرن دوازدهم هجری بوده است. از وی اجازه مفصلی برای محمد زمان کاشانی اصفهانی بر جای مانده که آن را در روز شنبه نوزدهم ربیع الاول سال ۱۱۳۹ نگاشته است. این اجازه که قریب چهل صفحه است با قلمی زیبا و نثری مسجع و مملو از تعابیر علمی، به زبان عربی نگاشته شده است. او در مقدمه اجازه نوشته است:

يقول المعترف بالقصور في كل كمال، إني كتبت هذه الوریقات علی نهاية السرعة و الاستعجال، لما كان نسيج من الحوادث حالاً بعد الحال و كان يتجدد الفتن و يجدد الكلال و الملل، و كنت متوزع الخاطر في التردد في الحل و الارتحال خائفاً من الافتراق الكلی و الانفصال، فبادرت الی كتبها و كتابتها و سارعت في نقلها و حكابتها ... و من جمله سوانح وقت كتابه هذه السطور، خبر مجيء الروم إلى بلادنا و عدم استطاعة الفرار و عدم الطمأنينة في القرار و نسأل الله الأمان من شرور الأشرار بمحمد و اله الاطهار عليهم صلوات الله الملك الجبار.

و قد كتب هذه الاسطر كاتب هذه الاوراق العبد الجاني ابن المرحوم غياث الدين محمد، محمد ابراهيم.^{۱۹}

۱۳- ملا اسماعیل خوراسگانی

فرزند ملا احمد (متوفای سال ۱۲۸۴) است. مرحوم مهدوی درباره او نوشته: عالم فاضل جلیل از ائمه جماعت بوده و قبرش در سمت جنوبی بقعه فیض (فیضعلیشاه) است.^{۲۰}

۱۴- میرزا محمد خوراسگانی

وی فرزند باقر خان است. این باقر خان همان است که چندی مدعی شاهی ایران بوده است. میرزا محمد شاعر و ادیب و تخلص وی امید بوده است. نمونه شعرش را مرحوم مهدوی چنین نقل کرده:

آگه نیم که عمر گرامی چنان گذشت

خوابم ربوده بود که این کاروان گذشت

* * *

گفتم از دل برود چون ز مقابل برود

غافل از این که چو رفت از پی او دل برود^{۲۱}

میرزا محمد علی دانش خوراسگانی فرزند یکی از خانزادگان خوراسگان به نام حاج محمد ابراهیم بود. دانش، فردی ادیب، شاعر و روزنامه نگار بود. وی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی نشریه دانش را در اصفهان منتشر کرد که سالها نشر آن ادامه داشته است. اشعار خود وی در نشریه اش منتشر شده است.

۱۵- میرزا محمد علی دانش خوراسگانی

فرزند یکی از خانزادگان خوراسگان به نام حاج محمد ابراهیم بود. دانش، فردی ادیب، شاعر و روزنامه نگار بود. وی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی نشریه دانش را در اصفهان منتشر کرد که



پی نوشت

- ۱- الانساب ج ۲، ص ۳۳۸
- ۲- معجم البلدان ج ۲، ص ۳۵۴
- ۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۸
- ۴- الانساب، ج ۲، ص ۳۳۸
- ۵- طبقات المحدثین بأصفهان، ج ۳، ص ۴۸۶-۴۸۷، ش ۴۶۳
- ۶- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۸
- ۷- طبقات المحدثین بأصفهان، ج ۲، ص ۵۱
- ۸- الروضة النضرة (طبقات أعلام الشيعة قرن ۱۱)، ص ۳۹۷
- ۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۱۵۰، ش ۱۲۸
- ۱۰- نشریه نسخه‌های خطی، ص ۱۸۶
- ۱۱- الروضة النضرة (طبقات أعلام الشيعة قرن ۱۱)، ص ۴۲۹
- ۱۲- الکواکب الممتشرة (طبقات أعلام الشيعة قرن ۱۲)، ص ۶۶۷
- ۱۳- همان مدرک، ص ۷۶۰
- ۱۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم، ص ۳۴۱
- ۱۵- فهرست نسخه‌های خطی مشکوة (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ج ۱، ص ۱۹۶
- ۱۶- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۲۶۹
- ۱۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۱۷، ص ۱۶۰
- ۱۸- همان، ص ۱۶۰
- ۱۹- نسخه ش ۶۰۶۲ کتابخانه آیه الله مرعشی، برگهای ۸۶-۱۰۷
- ۲۰- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۸
- ۲۱- همان مدرک، ص ۲۱۱
- ۲۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، صدر هاشمی، ج ۲، ص ۲۶۸، ۲۶۹
- ۲۳- تذکره شعرای اصفهان، اصفهان، ۱۳۳۴، کتابفروشی تأیید، ذیل مورد دانش.
- ۲۴- ذریعه، ج ۱۵، ص ۲۸۵، ش ۱۸۶۵
- ۲۵- همان مدرک، ج ۱۷، ص ۱۵۷، ش ۸۲۴
- ۲۶- حضرت حجة الاسلام آقای حاج مرتضی فقیهی خورسگانی خاطرات چندی از ایشان داشتند که متأسفانه در اینجا نتوانستیم از آنها استفاده کنیم.

سالها نشر آن ادامه داشته است. اشعار خود وی در نشریه‌اش منتشر شده است.^{۲۲} شرحی از احوال و برخی از اشعار وی را مرحوم مهدوی در تذکره شعرای اصفهان آورده است.^{۲۳}

۱۶- میرزا عبدالله فرزند محمد حسن خوراسگانی معروف به وثوق العلماء

از نویسندگان قرن چهاردهم هجری بوده است. از جمله آثار وی «عقائد المؤمنین فی اصول الدین» است. منظومه‌ای نیز با عنوان منظومه العقائد ضمیمه آن بوده است.^{۲۴} یکی دیگر از آثار او «قطرات العلوم» است. این اثر شرحی فارسی بر کتاب نصاب الصبیان بوده و در سال ۱۳۲۴ شمسی در ۲۲۰ صفحه چاپ سنگی شده است.^{۲۵} وی فاقد فرزند بوده و گویا بعد از سال ۱۳۵۰ شمسی درگذشته است.^{۲۶}

این بود اجمالی از شرح حال شانزده تن از دانشوران خوراسگان از سده‌های گذشته که ما در مصادر مختلف به آنها برخورد کردیم. به یقین شخصیتهای دیگری نیز بوده‌اند که ما از آنها آگاهی نداریم. از دوستان علاقه‌مند تقاضا دارم اگر آگاهی‌های بیشتری در این باره دارند به هر نحو می‌دانند آنها را نشر دهند. در حال حاضر هم، در این شهر، مردمان فرهنگ دوست کم نیستند. شماری عالم و شاعر و فرهنگی برجسته وجود دارد که معرفی آنها را به جای دیگری موکول می‌کنیم.

وقتی از خوراسگان یاد می‌شود نمی‌توان از باقر شاه خوراسگانی یاد نکرد. در پایان این مقال تنها اشارتی به او می‌کنیم. او تنها شخصیت سیاسی قابل ملاحظه‌ای است که در طی قرون گذشته در صحنه سیاست ایران بویژه اصفهان نقشی بر عهده داشته است. وی زمانی کدخدای خوراسگان بود. اندکی بعد از طرف علیمرادخان زند حاکم اصفهان شد و پس از مرگ وی ادعای شاهی ایران را کرد اما بوسیله جعفرخان از مسند شاهی فرو افتاد.

شرحی از احوال وی را علاءالدین آذری دمیرچی با عنوان «خوراسگان و باقر شاه خوراسگانی» در مجله هنر و مردم (شهریور ۱۳۵۴ ش ۱۵۵) نوشته است. مرحوم سید مصباح‌الدین مهدوی نیز می‌فرمود که شرحی از احوال وی را نوشته ولی گویا تاکنون به چاپ نرسیده است. وی سنگ قبر وی را نیز دیده و توصیف می‌کرد که قاعدتاً باید در مقاله خود از آن یاد کرده باشد.